

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

س. روشنگر
۰۹ مارچ ۲۰۱۷

اثرات شوم "دموکراسی" امریکائی بر زنان افغانستان

دیروز، شنبه تاریخ چهارم مارچ ۲۰۱۷ م، "برنامه ای از "انجمن زنان پرتو" با همکاری زنان افغان به مناسبت روز جهانی زن "درشهر ایسن المان طی محفلی اجراء شد که در آن جمع کثیری از خاتم ها و خانواده های افغان و ایرانی شرکت کرده بودند (گزارش مفصل این گردهمایی را بعداً نشر می کنیم). در این محفل خاتم "س. روشنگر" سخنرانی مهمی ایراد کرد که مورد استقبال گرم حاضران قرار گرفت و با کف زدن های ممتد همراهی شد. اینک متن آن سخنرانی:

من زنم،

من زن آزاده این میهنم

افتخار زندگی، بالندگی، من مادرم

مادر جان پرورم،

خواهر دلسوز، من یک خواهرم

من زنم، من دختر والامقام مادرم

من زنم، همسنگر و همراه و یار همسرم

من زنم، من خالق فرزندگان،

رستم و پیغمبران را مادرم

من زنم، من گوهرم...

با سلام و عرض ادب خدمت حاضران محترم!

روز جهانی زن را به شما و کلیه مادران جهان تبریک می گویم.

حال که رسم زمانه این چنین است که در سال، فقط یک روز را مشخص نموده اند تا به نام موجود مقدسی مثل زن، این

روز را گرامی بداریم، ماهم به نوبه خود پاسش می داریم.

اما یک چیز یادمان هرگز نمی رود که درین بزرگداشت از زن، درد دل زنان مظلوم جوامع رنج کشیده خود را، که

رنج شان از دیگران بیشتر است، باید بازگو کنیم و صدای در گلو خفه شده زنان زیرستم جوامع عقب مانده، و به

خصوص زنان افغانستان را فریاد کنیم. موضوعی را که امشب برای صحبت برگزیده ام ظاهراً به طور معمول در اذهان غربی نمی گنجد، ولی اجازه دهید این بحث را با استناد به واقعیات جامعه ما بگشاییم. موضوع بحث من است :

اثرات شوم "دموکراسی" امریکائی بر زنان افغانستان

وقتی سخن از وضعیت زنان در جوامع عقب مانده می شود، بیشتر محور بحث روی ستمگری های فرهنگ عقب مانده، اثرات دین، رسم و رواج ها و ... بوده که بر تشدید این ستمگری می افزاید و آن ها را برجسته می سازد.

هیچ تردیدی نمی توان کرد که فرهنگ های عقب مانده در جوامع شرقی با اثرات دین و مذهب و رسم و رواج های بیجا و خرافات ناشی از آن، به عنوان اصل و اساس، ستم و ستمگری را بر گرده زنان این کشورها تحمیل کرده و می کند؛ که ما همه روزه در اکثر نشرات صوتی و تصویری و روزنامه ها و مجلات، رخ داد های ستمگرانه و حتی وحشیانه ای را که با انگیزه های مختلف انجام می شود، می شنویم و می خوانیم.

اما آنچه هرگز در لابه لای این نشرات و حتی سخنرانی های منابعی که خود را مدافع حقوق زن می دانند، نمی توان یافت، اثرات سوء و ظالمانه تجاوزات و دست درازی های کشورها و ملل به اصطلاح دموکرات و متمدن است که برای تأمین منافع خود به کشورهای عقب مانده، زیر نام های مختلف، لشکر کشی می کنند و به تمام مردم این جوامع، من جمله بر زنان مظلوم این کشورها، ستم را چند برابر می کنند و بر شدت ستمگری ها می افزایند .

کشورهای متجاوز با طرح واژه "دموکراسی" به عنوان یک "پروژه" (و نه یک پروسه طبیعی در جوامع مستعمره) و با ارائه راه کارهای ناسالمی که دور از شناخت فرهنگی و اقتصادی و طبقاتی این جوامع است، با خیال خام ادعا می کنند که گویا یکشبه جامعه را دگرگون می کنند و مردمان این سرزمین ها و به خصوص زنان را از تمامی مزایای "دموکراسی" شان بهره مند می سازند؟! در حالی که دموکراسی (البته که ماهیت طبقاتی دارد) یک پروسه ای است که باید زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن در درون جامعه به وجود آمده باشد تا بتوان از آن بهره سالم گرفت. نه این که آن را به مثابه یک پروژه با توپ و تانک و سرباز مسلح صادرکرد و تحمیلش نمود .

سال های پیش جازدن واژه دموکراسی در افغانستان با ساز و سرنا انجام شد، ولی درکجای این کشور به راستی پیاده شد و کارائی داشت، تا هنوز معلوم نیست. فقط ما، روز تا روز، به طور فزاینده ای شاهد رنج و ستم بر مردمان این سرزمین هستیم.

ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا با پیمان ناتو، زیر نام مبارزه با تروریسم، در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ م به افغانستان تجاوز کرده و آن کشور را از زمین و هوا زیر بمباردمان وحشیانه گرفتند و هزاران انسان بی گناه را کشتند. پس از آن نیز بدنام ترین تروریست های فراری در حال مرگ و یا همان فوندامنتالیست های اسلامی را از گوشه گوشه جهان و از سوراخ سوراخ کشورها بیرون کشیده مسلح ساختند و بر کرسی های قدرت ملکی و نظامی افغانستان نشاندند. این وحشیان شکست خورده و عقده مند، به حمایت امریکا و اروپا و به زور اسلحه و باعقب مانده ترین افکار قرون وسطائی شان، بدترین ستم ها را بر مردم، و به ویژه بر زنان روا داشتند، که در نتیجه روز تا روز آمار خودکشی و خودسوزی زنان در کشور بالا رفت و با صدور دموکراسی امریکائی، افغانستان را به جهنمی برای زنان کشور بدل نمودند.

آن ها اختلافات و تعصبات قومی، قبیله ئی، زبانی و مذهبی را به حدی دامن زدند که تشدید تفرقه و نفاق بین مردم و اثرات خانمانسوز ناشی از آن، دیگر از مرز مردمان بیسواد و نا آگاه خارج شده و به مکاتب و دانشگاه ها راه یافت . زنان و دختران جوان نیز قربانیان این تعصبات و اختلافات گشته اند.

زمینه های این همه نابسامانی این چنین متبازاند :

۱ - زمینه سیاسی: ساختن دولت موقتی برای افغانستان با همکاری ملل متحد در سال ۲۰۰۱ م در شهر بن المان، از عده ای از جنگسالاران و رهبران احزاب جهادی و عده ای از تکنوکرات های غرب زده که جز به منافع خود به هیچ چیز دیگری نمی اندیشند .

بدین ترتیب به قدرت رسیدن دوباره جنگسالاران تاریخ زده که در زمان حاکمیت شان، سینه زنان را بریدند، زنان باردار را در محضر عام به زایمان مجبور ساختند، زنان را از ادارات و محل کار بیرون راندند و ... که هنوز مردم جنایات و خشونت های شان را برنزدیکان و حتی فرزندان شان از یاد نبرده بودند . هنوز خون های ریخته شده عزیزان شان که قربانی جنگ های گروهی و فرقه ئی و قومی و حزبی این جنایتکاران به قدرت رسیده توسط غرب شده بودند، نخشکیده بود . این بار باز با بوق و کرنای دموکراسی، همه دوباره بر اریکه قدرت تکیه زدند، که متأسفانه اکثریت شان نه تنها بوئی از واژه دموکراسی نمی بردند و یا به آن باور نداشتند، بلکه آن را مترادف کفر و ضد شریعت شان می دانستند . حال شما تصور کنید با اینچنین حاکمان ضد دموکراتی، امریکا و اروپا چه دموکراسی را برای زنان عرضه می کنند؟؟؟

۲ - در زمینه اقتصادی: در طی این پانزده سال گذشته، میلیاردها دلار به افغانستان سرازیر شد که گویا این کشور ویران شده و جنگ زده باز سازی شود . همچنان که گفته آمدیم، عده ای از نیروهای غرب زده و لیبرال که زمانی در اروپا و یا امریکا زندگی و یا تحصیل کرده بودند، برای گرفتن امتیازاتی چشم به بازسازی افغانستان دوخته بودند و از طرفی هم روابط این حاکمان طی پروسه قوم بازی ها و خویش خوری ها به قدرت رسیدند و با همکاری به اصطلاح جامعه جهانی، قسمت زیادی از این پول های باد آورده در دست این عده متمرکز شد . قسمتی از این پول ها، طبق قراردادها دوباره به حساب های شخصی عده ای خارجی و داخلی در بانک های خارج از کشور سرازیر شد و عده ای هم به نام (ان جی او) مراکزی برای چپاول "قانونی" در زمینه های مختلف بازکردند تا از آن پول مقداری صاحب شوند . عده ای از آن ها، نه پلانی برای کار در دست داشتند و نه توانائی پیشبرد کارها را، زیرا تحصیلات لازم و آگاهی کافی برای پیشبرد امور را نداشتند . لذا آن ها برای راه اندازی حد اقل کار، نیاز به پرسونل داشتند . زیرتأثیر تبلیغات و اعلانات حاصل "دموکراسی"، بسیاری از دختران و پسران جوان و تحصیل کرده و با سواد، و یا حتی نیمه سواد، استخدام این پروژه ها شدند و هم عده ای از جوانان دختر و یا پسر در ادارات دولتی شروع به کار نمودند . تا اینجای کار، ظاهر مثبت دارد . اما بار منفی آن کجاست؟ اولاً به خاطر مقررات سخت و ظالمانه حاکم در جامعه و پوشیدن سرتاپای زنان و جدائی کامل مرد و زن، در نتیجه فقر جنسی که در جامعه بیداد می کرد، عده ای از مردان صاحب کار با دیدن روی زنان، با چشمان حیرت زده، آن ها را می بلعیدند و به جای کار و صلاحیت و اهلیت کاری، فقط از تمایل جنسی شان با آن ها صحبت می کردند و در صورت پذیرش میل شان، وعده باغ های سبز و سرخ برای شان می دادند . این روند تعداد زیادی را به فحشاء و بداخلاقی کشاند . که این اولین مشکل به اصطلاح "دموکراسی" با زنان بود .

از طرف دیگر در اسلام اجازه داده شده که مردها به طور رسمی چهار زن حق داشته باشند . هم اکنون تقریباً همه جهادی های به قدرت رسیده توسط دموکراسی امریکائی - اروپائی، که در فکر و عمل خود عین طالبان هستند، در افغانستان با تأیید اربابان "دموکرات" امریکائی - اروپائی شان، به سیستم صدر اسلام و امپراتوری های پس از آن، با گرفتن چندین زن برای شان، "حرم سراهای" فرعونی ساخته اند . آن ها برای این که مدرن معرفی شوند، دختران دانشجو و دانش آموز خوشگل و خوش صورت را یا به پرداخت پول به خانواده های محتاج شان، و یا به زور اسلحه وادار به ازدواج می کنند، و نه یکی، بلکه چندین تا از این ماهرویان را در "حرم سرای" شان، فقط برای بهره گیری جنسی زندانی می سازند . به طور مثال محقق معاون رئیس اجرایی، از پشت تربییون دولتی افتخار به چهار زن داشتن

خود می کند. و یکی از زنانش در مصاحبه رسمی در تلویزیون، خود را به افتخار، زن سوم وی معرفی می نماید و چنین وانمود می کنند که مرد حق دارد چندین زن داشته باشد. جالب اینجاست که دیگر امریکا و اروپای منادی "دموکراسی" و حقوق زن، حرفی از حقوق بشر و حقوق زن نمی زنند، چون منافع پست شان با منافع این بنیادگرایان ضد زن و ضد بشر پیوند خورده است.

هم اکنون که ارتش و دستگاه های جاسوسی امریکا به کمک اروپا، بر سرتاسر افغانستان مسلط هستند و جهان را به انتقال "دموکراسی" در افغانستان اغفال می کنند، هر روز سر و صدای بینی بریدن، گوش بریدن، با تبرتکه تکه کردن، شلاق زدن و سنگسار کردن زنان، گوش همه را کر کرده و تقریباً روزی نیست که از این فجایع در افغانستان اتفاق نیفتد، حاکمان امریکائی - اروپائی متجاوز به افغانستان برای خاک به چشم مردم زدن، نمایشات دروغینی از گویا آزادی زنان در افغانستان به تلویزیون ها و ستیژهای شان عرضه می کنند تا بیدادگری خود و متحدان بنیادگرای بومی شان را بپوشانند. مثلاً چند زن جیره خوار و عروسک های دست آموزشان را در کرسی ها نشانده و یا به محافل می کشند که طوطی وار و با دیده درائی حرف اربابان شان را تکرار کنند و نمایش دموکراسی بدهند. واقعیت اینست که هم اکنون افغانستان زیر سیطره امریکا و اروپا و حاکمیت دست نشانده آن ها، به جهنم سوزانی برای مردم مظلوم آن کشور بدل شده است. ترور، وحشت، فقر، اعتیاد، بیکاری، زن ستیزی، دکتاتوری دینی، ستم طبقاتی و ... در این کشور بیداد می کند و اگر امکائی به کسی میسر شود، هر لحظه مردم از آن فرار می کنند، که نمونه اش را با سیل مهاجرانش در کشورهای همجوار و اروپا و ... شاهد هستید.

شاید به ذهن برخی بیاید که این طالبان هستند که ظلم و انتحار می کنند. آری! طالبان نیز بار این وحشت را دوچندان ساخته اند. ولی همینجا باید متذکر شوم که طالبان نیز پروژه ساخته دست امریکا و انگلیس به کمک عربستان سعودی و پاکستان است که تربیت و مسلح شده و می شوند و به افغانستان جهت ویرانگری و ترور گسیل شده و می شوند. (در این موارد می توانیم در پرسش و پاسخ بحث بیشتری بکنیم).

هم اکنون همین جهادی های حاکم و همدست امریکا در ولایات مختلف افغانستان، زنان و دخترانی را که تن به ازدواج اجباری با آن ها و یا اقارب شان ندهند، به اتهام های واهی و به قول خودشان طبق احکام اسلام، آن ها را در محضر عام شلاق می زنند و یا سنگسار می نمایند و نیروهای امریکائی و اروپائی مستقر در منطقه، بدون کوچکترین اعتراضی، آن را نظاره می کنند. نمونه های آن قتل فرخنده ها، تبسمها و ده ها زن دیگر که پیش چشم نیروهای امریکائی - اروپائی سنگسار شدند.

نکته دیگری که قابل ذکر است: غربی ها با مصرفی ساختن و تجملی ساختن جوامع مستعمره شان به مردم، بیه ویژه به جوانان، احتیاج کاذب ایجاد می کنند و بعد آن ها را وادار می کنند که برای رفع این احتیاجات تجملی، تن به کارهای پست بدهند. متأسفانه فقر اقتصادی و سرازیر شدن تولیدات تجملی در کشور اشغال شده و بدون کنترل ما، زمینه رشد فحشاء را وسعت داده است.

استخدام زنان و دختران جوانی که باید برای به دست آوردن لقمه نانی به خانواده فقیر شان کارکنند، در پایگاه های نظامی ارتش های امریکا و اروپا، بر دامنه تجاوز و فحشاء افزوده است؛ و این از پرابلم های ویژه مستعمرات است که استعمارگران بر آن تحمیل می کنند.

در حال حاضر بسیاری از زنان در افغانستان از ترس آدم ربائی جنایتکاران بنیادگرا و سربازان خارجی، هنوز که هنوز است خود را می پوشانند و خود سانسوری می کنند و حاضر نیستند برقع را از سر خود بردارند. به قول خود شان در این جامعه ضد زن و حاکمیت نیروهای زن ستیز، این چادر برایشان احساس حد اقل امنیت را می دهد و گویا خود را

در زیر آن از خطرات و تعرضات حفظ می نمایند. این ها و هزاران مورد دیگر ستمگری بر زنان در کشور ما افغانستان با حضور و حمایت نیروهای تجاوزگر امریکائی-اروپائی که به دروغ دم از "دموکراسی" و دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان می زنند، تحمیل می شود و متأسفانه تحت تأثیر جو تبلیغاتی متجاوزان حاکم برکشور، کسی از آن یاد نمی کند .

پس بیائید همه با هم علیه این بیداد و زن ستیزی امپریالیسم و ارتجاع فریاد کنیم .

از توجه تان سپاسگزارم

۵ مارچ ۲۰۱۷